

فراخبر

تحلیل استاد دانشکده مطالعات بین المللی دانشگاه جواهر لعل نهرو دهلی از بن‌بست راهبردی ترامپ در خاورمیانه

بی‌اعتبار در جنوب جهان

میراحمد رضا مشرفا وضعیت آشفته خاورمیانه و تداوم شرایط جنگی حاکم بر این منطقه نگرانی‌های زیادی را در سطح جهان و به‌ویژه در کشورهایی که وابستگی بیشتری به منابع انرژی و کالاهای ضروری عبوری از تنگه هرمز و باب‌المندب دارند، به وجود آورده است. شبه‌قاره هند و به طور خاص کشور بزرگ و پرجمعیت هند را باید در زمره همین سرزمین‌ها جای داد. بر این اساس روزنامه‌معتبر «ایندین اکسپرس» در روزهای اخیر تحلیلی به قلم «راجان کومار» استاد دانشکده مطالعات بین‌المللی دانشگاه جواهر لعل نهرو دهلی منتشر کرده که ضمن بررسی اوضاع کنونی خاورمیانه، توصیه‌هایی را نیز برای کمک به خروج هند و حتی دیگر کشورها از این وضعیت بحرانی ارائه داده است.

چرا نمی‌توان به مذاکرات ایران و آمریکا خوشبین بود؟

«راجان کومار» مقاله‌نویس روزنامه‌ایندین اکسپرس، تحلیل خود از شرایط کنونی خاورمیانه را با تأکید بر این نکته آغاز می‌کند که رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ، در یک بن‌بست راهبردی با ایران گرفتار شده و گزینه‌های روشنی پیش رو ندارد. این استاد دانشگاه هند از مذاکره میان ایران و آمریکا به عنوان یکی از گزینه‌های به ظاهر قابل قبول یاد کرده، اما در ادامه تأکید می‌کند که برای حل بحران نباید چندان به مذاکرات کنونی دل بست. وی در مورد دلایل عدم خوش‌بینی به مذاکرات به دو نکته اساسی اشاره دارد؛ در وهله نخست باید به ضعف‌های سبک معامله‌گری ترامپ توجه کرد؛ تصور توهم‌آمیز ترامپ بر اینکه بمباران و مذاکره را می‌توان به شکلی هم‌زمان پیش برد، ذاتاً ناقص و بی‌حاصل است. از نظر کومار راهبرد مذاکراتی ترامپ از بی‌ثباتی، بی‌جبرگی و ناتوانی رنج می‌برد. اما در وهله دوم این ناکارآمدی مذاکرات را می‌توان به تیم‌های مذاکره‌کننده ترامپ هم مرتبط دانست. در این راستا در تیم‌های مذاکراتی دو گروه بازیگر وجود دارد؛ نخست سه کشور عمان، قطر و پاکستان به عنوان میانجی‌ها و دوم دو فرد، یعنی جرد کوشنر و استیو ویتکاف به عنوان مذاکره‌کنندگان از جانب ایالات متحده. اما در شرایطی که مذاکره نیازمند اعتمادسازی و بی‌طرفی است، جالب است که هر دو گروه از بازیگران به خاطر وفاداری‌شان به ترامپ انتخاب شده‌اند. این میانجیگران و مذاکره‌کنندگان با خرگوش می‌دوند و با اسگ‌ها شکار می‌کنند. عمان و قطر متحدان منطقه‌ای آمریکا هستند، در حالی که پاکستان در تلاش است با اقدام‌های فرمانده نظامی خود عاصم منیر، هماهنگ شود. هیچ کدام از این‌ها به عنوان بازیگر بی‌طرف دیده نمی‌شوند، وزن سیاسی چندان‌ی ندارند و مشروعیت آن‌ها در عرصه سیاست جهانی بسیار مورد تردید است. بنابراین جای تعجب ندارد که مذاکرات جاری به جز آتش‌بس دوره‌ای، به‌دست‌اورد قابل توجه دیگری نرسیده است.

راهبرد جنگی ترامپ هم‌معیوب است!

تحلیلگر ایندین اکسپرس و استاد دانشگاه دهلی در ادامه بحث تأکید دارد به همان اندازه که راهبردهای مذاکراتی ترامپ معیوب است، راهبرد جنگی او نیز دست‌کمی از آن ندارد. ترامپ خواهان پیروزی آسان در ایران است، او با انگیزه موفقیت نظامی‌اش در ونزوئلا، انتظار نتیجه‌ای مشابه را در ایران داشت. اما پیروزی نیازمند تعهد کامل سیاسی و نظامی با هزینه اقتصادی بالاست. ترامپ نمی‌تواند بر ایران فائق شود چون قدرت آتش آمریکا محدودیت‌هایی دارد.

او بدون شک فرمانده قدرتمندترین ارتش جهان است که بودجه نظامی آن با مجموع ۶ کشور برتر پس از خودش برابری می‌کند. اما توانایی‌های ایالات متحده برای اعمال قدرت در حوزه فراتر از منطقه خود با محدودیت‌های جدی مواجه است، همان طور که در افغانستان، عراق و سوریه به‌وضوح نشان داده‌شد. شاید ترامپ خروج شرم‌آور آمریکا از افغانستان و شکست‌های این کشور در عراق رافراموش کرده باشد. در نهایت اینکه ترامپ خواهان تغییر رژیم در ایران بود، اما حتی نمی‌تواند تنگه هرمز را باز نگه دارد. او خواهان نابودی کامل ارتش ایران بود، اما حتی قادر به محافظت از متحدانش در برابر پهلپا‌دها و موشک‌های ایرانی نیست. او می‌خواست هژمونی آمریکا را در منطقه تثبیت کند، در عوض کشورهای خلیج فارس را به سوی تعمیق روابط با چین به عنوان ضامن امنیتی جایگزین سوق داد.

ضعف سرمایه‌سیاسی و اقتصادی ترامپ در تقابل با ایران

اما از نظر راجان کومار، ترامپ در حوزه سرمایه‌سیاسی و اقتصادی لازم برای تشدید تنش و ورود به یک جنگ تمام‌عیار با ایران هم با چالش‌های اساسی مواجه است. در این چارچوب وفادارانش در حال ترک حزب هستند و حزب جمهوری خواه از شکست در انتخابات میان‌دوره‌ای ماه نوامبر هراس دارد. انتخابات میان‌دوره‌ای از جهت اثرگذاری بر سیاست‌های ترامپ در دو سال آینده با اهمیت تلقی می‌شود.

پشیمانی کشورهای پیشرو جهان سوم از سکوت راهبردی کنونی

تحلیلگر ایندین اکسپرس و استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو، یادداشت خود را با این نگاه خاتمه می‌دهد که جنگ با ایران آسیب جبران‌ناپذیری به اعتبار آمریکا به عنوان یک ابرقدرت منطقه‌ی و مصالحه‌گر وارد کرده است. متحدان، دیگر واشنگتن را به عنوان شریک قابل اعتمادی برای پیروزی در جنگ، رسیدن به توافق و یا تأمین صلح قلمداد نمی‌کنند. ناتو از حمایت از ترامپ خودداری کرده و کشورهای خلیج فارس محتاط شده‌اند. اما در این میان، جهان جنوب، آمریکا را مستبد، هژمونیک و غیر قابل پیش‌بینی می‌بیند.

بر اساس نظرسنجی که در ۳۶ کشور انجام گرفته است، چین در حداقل ۲۵ کشور بیش از آمریکا معتبر دانسته می‌شود و احتمالاً این روند رو به رشد خواهد بود. راهبرد ترامپ در برابر ایران به بن‌بست رسیده و هر گزینه‌ای شامل جنگ، خروج یا توافق، هزینه راهبردی بالایی خواهد داشت. در شرایط احتمالی تشدید تنش، کشورهای پیشرو جنوب جهانی باید برای میانجی‌گری آتش‌بس و پیشبرد روند کاهش تنش پیشقدم شوند. سکوت راهبردی ممکن است در آینده منجر به هزینه‌های راهبردی بالاتری شود.

برای دیوانه‌بازی‌های تازه رئیس‌جمهور آمریکا با کمک هوش مصنوعی می‌توان هدفی متصور بود؟

خواب‌های یک متوهم



به گذر ناوگان آمریکا از تنگه هرمز یا کاپیتانی و سرفرماندهی ترامپ اشاره دارد!

دیوانه‌بازی «مرد دیوانه»

انتشار تصاویر دستکاری شده و ساختگی توسط ترامپ بی‌پیشینه نیست با این حال پیام‌های سلسله‌وار اخیر از چند نظر قابل بررسی است. مرور متن‌های رئیس‌جمهور ایالات متحده در «ثروت سوشال» این واقعیت را آشکار می‌کند که او اصلاً آدم خودداری نیست و با وجود هشدار نهادهای امنیتی، شبکه‌های اجتماعی را بستری مناسب برای انتقال پیام به دیگران می‌داند. با چنین برداشتی دونالد احتمالاً در توییت‌های خود تهدید مقامات جمهوری اسلامی را مد نظر دارد؛ اینکه مقابل او نرمش نشان داده و از ایده کنترل تنگه هرمز دست بکشند وگرنه آمریکا دست

پرانده، گوشی به دست شده و رؤیاهای خود را به تصویر کشیده. دونالد این گونه ظرف یک ساعت بیش از ۱۰ متن تولید شده توسط هوش مصنوعی درباره حمله به ایران را در شبکه اجتماعی «ثروت سوشال» منتشر کرده است. در این طرح‌های گرافیکی که با عبارت‌هایی نظیر «این نفtekش اکنون متعلق به ماست»، «خداحافظ اتاق موتور» و «دیگر موتوری در کار نیست» همراه شده‌اند، صحنه‌هایی از انهدام و آتش‌سوزی ناوها و نفtekش‌های ما شبیه‌سازی شده‌اند.

در برخی از تصاویر هم حملات بمب افکن‌های ی-۲ و جنگنده‌های آمریکا به ایران نمایش داده شده و در آن عبارت «نگهبان جهان» و «فرشتگان نگهبان جهان» به چشم می‌خورد. اما دو تصویر با بقیه متفاوت است؛ یکی با نوشته قرمز رنگ «حمله به خاک»، هواگردهای مهاجم را در حال بمباران تأسیسات نفتی ایران نمایش می‌دهد و دومی به نظر

هدایت جاوید ماشین جنگی ایالات متحده در باتلاق ایران به گل نشسته و مقامات این کشور طرف‌های مختلف از پاکستان گرفته تا قطر و عمان را برای میانجی‌گری و رهایی از منجلا‌ب به صف کرده‌اند. اما مستاجر رؤیابر‌دار کاخ سفید انگار در وادی دیگری سیر می‌کند. پرزیدنت خودشیفته که البته به این گرفتاری واقف بوده و به‌تازگی برای خرید زمان و متقاعد کردن تصمیم‌سازان جمهوری اسلامی به کاهش حملات در تنگه هرمز، یک‌طرفه اعلام آتش‌بس کرده، حال به امیدفتح‌آذهان داخلی کشورش، نقشه تسخیر تهران را در ذهن می‌پروراند؛ البته به کمک هوش مصنوعی!

رؤیای گذر از هرمز به حقیقت پیوست!

ماجرای توییت‌های رگباری ترامپ در شا‌مگاه دوشنبه بازمی‌گردد. او که انگار ترس از شکست خواب از سرش

روزشمار جنگ | روز صد و پنجاهم

۷۶ درصد افکار عمومی ایالات متحده تحمل جنگ را دشوارتر از حد انتظار می‌دانند

شکست؛ برداشت یانکی‌ها از جنگ

«عملیات برون‌مرزی» ثبت کرده و بیش از ۲۰۰م‌جروح نیز در همین ردیف‌قرار گرفته‌اند. مقایه‌های پنتاگون این تغییر را به اختلالات آماری نسبت داده‌اند، اما هم‌زمانی آن با کاهش اطلاع‌رسانی درباره تلفات، مورد اعتراض رسانه‌ها قرار گرفته‌است.تغییر نام یک‌ستون، واقعیت میدان را عوض نمی‌کند.نظامیانی که در پایگاه‌های منطقه‌ای آمریکا کشته شده‌اند، بخشی از هزینه‌همین جنگ‌اند؛ حتی اگر واشنگتن آن‌ها را زیر عنوان دیگری ثبت کند. این اقدام نشان می‌دهد دولت آمریکا فقط با مسئله جنگ روبه‌رو نیست، بلکه با چگونگی توضیح آن به مردم خود نیز مشکل دارد.

فاصله ز یاد افکار عمومی از روایت پیروزی ترامپ

براساس نظرسنجی تازه شبکه سی‌بی‌اس و مؤسسه یوگا، و ۷۶درصد آمریکایی‌ها معتقدند جنگ با ایران دشوارتر از چیزی بوده که دولت ترامپ انتظار داشت. ۵۸درصد درباره آینده جنگ نامطمئن‌اند و ۵۷درصد احساس سرخوردگی می‌کنند. این اعداد باروایت کاخ سفید کاملاً ناسازگار است.

اگر نیروی دریایی و هوایی ایران، آن گونه که ترامپ ادعا می‌کند، از میان رفته است، چرا هرمز همچنان بسته مانده؟ چرا تأسیسات نفتی عربستان از یمن و عراق تهدید می‌شوند؟ چرا آمریکا برای نخستین بار پس از دو هفته حمله، ناچار شده عملیات را متوقف کند؟ این پرسش‌ها اکنون وارد افکار عمومی و کنگره آمریکا شده‌اند.

نتانیا‌هودر جست‌وجوی فرمان جنگ

سفر نتانیا‌هو به واشنگتن نیز در همین چارچوب اهمیت دارد.

به اقدام نظامی گسترده خواهد زد. چنین پیامی به‌ویژه در حالی که او امروز میزان بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در کاخ سفید خواهد بود معنا‌دارتر است. روشن است که اگر او چنین هدفی تعریف کرده به کا‌هدان زده؛ چرا که ایران در مسیر دستیابی به اهداف ملی حاضر به کمترین انعطاف و امتیازدهی نبوده و نخواهد بود. البته ترامپ به نشان‌دن مقامات تهران پشت میز مذاکره هم راضی است و انتشار عکس در سلسله توییت‌هایش که او را در حال مصافحه با قالی‌باف به تصویر کشیده گواه چنین مدعایی است!

یک دلقک پیش‌بینی‌ناپذیر

بخش دیگر بازی را باید به رویکرد دوگانه و مبهم ترامپ برای به هم ریختن ذهن استراتژیست‌های ایرانی و پیش‌بینی‌ناپذیر نشان دادن اقدام‌های وی مربوط دانست. رئیس‌جمهور آمریکا در پیگیری استراتژی «مرد دیوانه» تلاش دارد از خود تصویر فردی بدون استراتژی که هر لحظه می‌تواند تصمیم تازه‌ای بگیرد را به دنیا مخابره کند. چنین رویکردی مورد اشاره‌شخص دونالد هم هست. او پیش‌تر در پاسخ به پرسش خبرنگاری که گفت: «تاکتیک شماست که یک چیزی را می‌گویید و بعد آن را عوض می‌کنید؟» چنین رویه‌ای یعنی ارسال پیام‌های ضد و نقیض را گامی خوب برای سردرگم کردن ایران دانست. ترامپ عنوان کرد: «این خوب است! آن‌ها گیج و نگران می‌شوند». با این اوصاف در حالی که گفته می‌شود دیپلماسی میان تهران و واشنگتن شتاب گرفته، قسمتی از دیوانه‌بازی تازه ترامپ بی‌ارتباط به رویکرد رسانه‌ای او که قرار دادن تصمیم‌سازان ایران در خلأ و فضای ابهام را هدف گذاری کرده، نیست.

ترامپ و تسخیر تهران به کمک هوش مصنوعی!

در نهایت، بخشی از نیت ترامپ در انتشار تصاویر تهدیدآمیز علیه ایران، به کیش شخصیتی او مربوط می‌شود. فردی خودشیفته که تلاش دارد با چنین نمایشی خود را در قامت رهبر و منجی جایی‌بندازد. با این حال جنبه مهم دیگر چنین سناریویی به تلاش پرزیدنت برای دلربایی و البته فریب شهروندان آمریکایی مربوط است. نباید از یاد برد که در کمتر از ۱۰۰روز مانده به انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، گرفتاری در جنگ فرسایشی اردوگاه جمهوری خواهان را به‌شدت ضعیف کرده‌است. در چنین محیطی ترامپ احتمالاً به دنبال آن است که با انتشار تصاویر ساخته و پرداخته شده توسط هوش مصنوعی که وی را در جایگاه فرمانده در حال تسخیر ایران به تصویر می‌کشد، افکار عمومی داخلی را فتح کرده و موضع خود را در انتخابات بعدی تقویت کند.

ایستگاه صد و پنجاهم؛ بحران کنترل روایت

جنگ برای آمریکا فقط در هرمز و پایگاه‌های منطقه‌ای دشوار نشده است. واشنگتن حالا باید تلفات را توضیح دهد، افکار عمومی را قانع کرده و میان خواسته‌های اسرائیل و محدودیت‌های نظامی خود تعادل برقرار کند. ترامپ فعلاً حملات را متوقف کرده، اما هنوز نمی‌پذیرد که فشار نظامی به هدف اعلام‌شده نرسیده است. جابه‌جایی آمار، تغییر عنوان تلفات و تکرار ادعای پیروزی نمی‌تواند مسئله اصلی را پنهان کند. جنگی که قرار بود ایران را در چند روز عقب براند، اکنون خود واشنگتن را درگیر پیدا کردن راه پایان آن کرده است.

دفاع جانانه نیروهای مسلح در برابر ابرقدرت نظامی جهان غرورآمیز است؛ اما هنوز تا تنبیه و پشیمانی متجاوز فاصله داریم

آستانه بازدارندگی



جایی است که حتی احساس پیروزی و تصور دست‌اورد هم ممکن است سبب خطای محاسباتی شود و پاسخ نامتوازن به تعدیات دشمن، جنایات او را عادی‌سازی کند. چون دشمن بر اساس نسبت هنز نه‌فایده تلفات و خسارات واقعی که محتمل شده تصمیم به تداوم تجاوز یا عقب‌نشینی می‌گیرد، نه بر اساس تصورات و احساسات طرف مقابل. باید مراقبت کرد که پاسخ‌های نظامی به ابزاری برای رفع تکلیف پاسخ به دشمن و پاسخ به مطالبات اجتماعی تبدیل نشود. از همین رو مدیریت جریانات اجتماعی و مطالبات مردمی هم ضروری است تا این انتظارات برحق، منجر به کنش واقعی برای احقاق حق و تأمین امنیت شود، نه صرفاً

محمد ولایی | مقاومت و دفاع جانانه نیروهای مسلح کشورمان در برابر ابرقدرت نظامی جهان قطعاً غرورآمیز است؛ اما با وجود این همچنان نشانه‌ای از پایان تعدیات و تهدیدات دشمن مشاهده نمی‌شود. واقعیتی که نشان می‌دهد هنوز با آستانه تنبیه متجاوز و پشیمانی از تجاوز فاصله داریم. باید دانست که عمده ابزارها و تسلیحات ما نسبت به دشمنانمان متفاوت است و این تفاوت موجب شده به راهبرد نبرد نامتقارن روی بیاوریم. به همین نسبت فرصت‌ها و دسترس‌های ما نیز متفاوت است و چنین تفاوتی اقتضای آن دارد که این عدم تقارن را در نوع پاسخ و اهداف نیز در نظر بگیریم.

اما این پاسخ نامتقارن نمی‌تواند به‌معنای تنازل از اثربخشی و بازدارندگی باشد. چنین پاسخی دست‌کم باید متوازن باشد تا بتواند توازن وحشت، خسارت و تلفات را برقرار کند. اما ایجاد بازدارندگی نیازمند پاسخی فراتر از توازن است؛ یعنی پاسخ پشیمان‌کننده، که تاکنون محقق نشده و جنگ با همه فراز و فرودهایش همچنان جریان دارد. در واقع غرش شلیک موشک‌ها و اوج گرفتن روحیه سلحشوری ملی با همه اهمیتش تنها یکی از اهداف پاسخ‌های نظامی است، نه همه ماجرا. این موشک‌ها تا به هدف برخورد نکنند و تلفات و خسارات متوازنی را به دشمن تحمیل نکنند، نمی‌توان انتظار تحقق بازدارندگی و تأمین امنیت ملی را داشت. اینجا